

مقطعی بوده، بر چند نکته معین و انتخاب شده از داوری بین‌المللی متمرکز شده است. قانون نمونه در چارچوب و سیاق قانون ملی، زیست می‌کند؛ بنابراین، هدف عمومی و همگانی نمودن قواعد داوری تحقق نیافته است. تمرکززدایی هدف فعلی است و تا فرامی‌شدن روند داوری، راه درازی در پیش است. تا رسیدن به زمانی که قانون ملی نقشی در داوری نداشته باشد، بهترین راه برای اجتناب از چندگانگی، ایجاد هماهنگی در حقوق ملی مربوط به داوری همراه با ارتقای سطح تخصص داوران است.

این، دیدگاه قانون داوری ۱۹۹۶ م. است. این قانون، همچنین اقدام و تلاشی برای مدرنیزه کردن قانون داوری در انگلستان است و تا حدود زیادی با قانون نمونه هماهنگ است. همچنین از این نظر که یک قانونگذاری جامع در زمینه حقوق داوری انگلستان است، از قانون نمونه پیشی می‌گیرد. این قانون که تمامی جنبه‌های داوری را دربرمی‌گیرد، به روز است و مقررکننده قواعدی لازم‌الاجرا برای قضات و داوران می‌باشد. قانون داوری ۱۹۹۶ م. هم‌اکنون در داوریه‌های داخلی و بین‌المللی اعمال می‌شود؛ از این رو، نمونه‌ای از ایجاد هماهنگی و توافق می‌باشد.

با وجود کاهش بسیار دخالت قضایی در روند داوری، این دخالت هنوز در قانون داوری انگلستان وجود دارد.<sup>۱</sup> در این مورد، بیش از هر مورد دیگری اختلاف نظر وجود دارد. داوری به عنوان یک روش خصوصی حل و فصل قضایی اختلافات هنوز در معرض دخالت قضات دولتی قرار دارد. دخالت قضات ممکن است برای اطمینان از رعایت هماهنگی، عدالت و انصاف، لازم تلقی شود. وجود داوران متخصص و دانش آموخته، مطمئناً کمترین دخالت قضایی را در پی دارد. هم قانون نمونه و هم قانون داوری انگلستان، بر عقلانی کردن، مدرنیزه و روشن نمودن قانون داوری در محدوده عملشان سعی دارند. هر دو در رسیدن به اهداف مختلف، ولی مرتبطشان، بسیار موفق بوده‌اند. هر دو می‌توانند بهتر شوند و پیشرفت کنند و احتمال نزدیک شدن آنها به یکدیگر در آینده، روز به روز بیشتر می‌شود.

1. Supra note 24, at 200:

«سیاست عدم دخالت با آگاهی و شناخت از قدرت ابزار مفهومی جدید پیش‌بینی شده در قانون داوری، کم‌کم در حال عملی شدن است.»

## نقش نظام قضایی بین‌المللی

### در حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی

#### وراهکارهای تحکیم دادرسیهای بین‌المللی در این اختلافات<sup>۱</sup>

□ Dionysia-Theodora Avgerinopoulou<sup>۲</sup>

□ ترجمه حسین یزدانی<sup>۳</sup>

□ کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

#### مقدمه مترجم

با رشد روزافزون مسائل زیست‌محیطی و گسترش فعالیتهای مختلف در این عرصه،

۱. مشخصات کتاب‌شناختی مقاله به شرح زیر است:

Dionysia-Theodora Avgerinopoulou, «The Role of the International Judiciary in the Settlement of Environmental Disputes and Alternative Proposals for Strengthening International Environmental Adjudication», Prepared for Global Environmental Governance: the Post-Johannesburg Agenda, 23-25 October 2003, Yale Center for Environmental Law and Policy New Haven, CT.

با توجه به زیاد بودن مستندات اصل مقاله، به منظور رعایت استاندارد کمی صفحات مجله، از چاپ همه آنها خودداری شد. بدیهی است که مستندات و ارجاعات در دفتر مجله برای استفاده خوانندگان موجود است.

۲. محقق مرکز حقوق و سیاست محیط زیست ییل، نیو هاون.

3. hosseinyazdani@gmail.com

اختلافات بسیاری در این زمینه بروز کرده است؛ به گونه‌ای که نظام قضایی موجود، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی، نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد. عمده‌ترین دلیل اقامه شده، تخصصی بودن مسائل و موضوعات زیست‌محیطی است؛ از این رو، محاکم بین‌المللی موجود چنان تخصصی ندارند که بتوانند به طور مؤثر به حل و فصل این اختلافات بپردازند.

برخی از محاکم قضایی بین‌المللی موجود همچون دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، به بخشی از جنبه‌های اختلافات زیست‌محیطی پرداخته‌اند، با این حال، این اختلافات چنان گستردگی و پیچیدگی دارد که ساختار و اهداف محاکم مزبور اجازه رسیدگی مؤثر و کامل به آنها را نمی‌دهد؛ چراکه این محاکم در بسیاری موارد، از اعمال صلاحیت خود برای رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی خودداری می‌کنند و یا تنها به جنبه‌های خاصی از این اختلافات می‌پردازند؛ بنابراین، بهترین راه حل پیشنهادی برای حل و فصل اختلافات مذکور، تأسیس یک دیوان بین‌المللی است که فقط صلاحیت رسیدگی به اختلافات زیست‌محیطی داشته باشد؛ بدین ترتیب، امید می‌رود با ایجاد چنین محکمه‌ای که می‌تواند «دیوان بین‌المللی محیط زیست» نام بگیرد و با استفاده از قضات متخصص و آموزش دیده در مسائل زیست‌محیطی، اختلافات مطرح شده در این عرصه به نحو مؤثر و دقیق حل و فصل شود.

#### مقدمه

رشد روزافزون دیوانها و دادگاههای بین‌المللی کنونی و افزایش توسل به آرای الزام آور شخص ثالث در حل و فصل اختلافات بین‌المللی، نه باعث توسعه قابل ملاحظه حقوق بین‌الملل محیط زیست شده است و نه وضعیت اداره محیط زیست بین‌المللی را بهبود بخشیده است. جامعه بین‌المللی برای پیشگیری از زوال بیشتر منابع طبیعی و نیل به عدالت در عرصه محیط زیست، باید گزینه‌های موجود را برای بهبود سیستم قضایی بین‌المللی مورد بازنگری قرار دهد.

این مقاله، به بررسی نقش نهادهای قضایی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات مربوط به محیط زیست و امکان بهبود نهاد قضایی موجود می‌پردازد و راهکارهایی

را درباره ایجاد نهادهای جدید پیشنهاد می‌دهد. در بخش نخست، چنین استدلال شده است که جبران خسارتهای حقوقی در سطح بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی ضرورت دارد. در این بخش، به معرفی دیوانهای بین‌المللی پرداخته شده است که در حال حاضر صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به محیط زیست را دارند و نتیجه گرفته شده که محاکم بین‌المللی موجود به رسیدگی و بررسی چالشهای جهانی امروز محیط زیست قادر نیستند.<sup>۱</sup> در بخش دوم، پیشنهاداتی برای کمک به بهبود نقاط ضعف ساختار نظام قضایی بین‌المللی موجود در خصوص محیط زیست ارائه شده است.

## بخش اول: نهادهای قضایی زیست‌محیطی کنونی

### دادگاههای داخلی و مسائل زیست‌محیطی جهانی

دادگاههای داخلی، قدرت لازم برای پرداختن به مسائل زیست‌محیطی بین‌المللی ندارند. در بسیاری از موارد، جامعه بین‌المللی توسل به دادگاهها و محاکم بین‌المللی را ضروری می‌داند. مسائل زیست‌محیطی فراملی، غالباً به مکانیسمهای فوق ملی حل و فصل اختلافات نیاز دارد و دادگاههای داخلی غالباً صلاحیت پاسخگویی به این گونه مسائل فراسرزمینی را ندارند.

اگر در موارد نادر هم اختلافی زیست‌محیطی، فعلاً داخل مرزها را درگیر کند، باز هم دادگاههای داخلی به رسیدگی به اقدامات انجام شده از سوی دولتهای خود تمایل ندارند و به این کار نیز قادر نیستند. در بسیاری از موارد، قوانین داخلی از لحاظ حقوقی، موانعی ایجاد کرده است که اختیار دادگاهها را برای رسیدگی به

۱. این مقاله در تجزیه و تحلیلهای بعدی، در پی تمایزات مکانیسمهای حل و فصل اختلافات به دو شیوه ذیل است:

(الف) روشهای سیاسی؛ از جمله مذاکره، میانجی‌گری، سازش و آیین تحقیق؛

(ب) روشهای حقوقی؛ از جمله داوری و حل و فصل قضایی (ر.ک: ماده ۳۳ منشور ملل متحد).

هرچند بیشتر اختلافات زیست‌محیطی از راههای سیاسی حل و فصل می‌شود، این مقاله تنها به شیوه‌های حقوقی پرداخته است؛ زیرا تصمیمات حقوقی الزام آور برای طرفین این اختلافات، نتیجه این شیوه‌هاست و این شیوه‌ها به ارائه رویه قضایی همراه با قدرت قانونی گرایش دارد.

اقدامات دولت و اصلاح آنها محدود می‌سازد.<sup>۱</sup> در سایر موارد نیز دادگاههای داخلی به اعمال قوانین بین‌المللی چندان تمایل ندارند (Rest, 1994). بعلاوه، قضات داخلی برای اعمال نظام بسیار پیچیده و اغلب جنجال‌برانگیز حقوق بین‌الملل محیط زیست آگاهی لازم را ندارند.

### اشتغالات بایسته نهادهای قضایی بین‌المللی

تحلیل فوق از ضعف دادگاههای داخلی، اشاره دارد که نهادهای قضایی بین‌المللی، به پاسخگویی به نگرانیهای زیست‌محیطی فراملی ملزم‌اند. هرگاه دادگاههای داخلی به دلیل فراسرزمینی بودن دعاوی یا به دلیل فقدان صلاحیت ملی، نتوانند دعاوی مزبور را بپذیرند، تنها راه چاره، رجوع به محاکم بین‌المللی است. وانگهی، دادگاههای بین‌المللی از موقعیت مناسب‌تری برای نظارت و حمایت از تکوین حقوق بین‌المللی زیست‌محیطی، همچون حق اطلاع از فعالیتهای آلاینده دولت همجوار برخوردارند. همچنین یک محکمه بین‌المللی می‌تواند بر فعالیتهای مضر یک ملت نسبت به محیط زیست سایر ملتها یا کل مردم جهان، نظارت داشته باشد. افزون بر این، نظارت قضایی بین‌المللی می‌تواند جبران‌کننده ضعف عملکرد ملی از ناحیه ملتهایی باشد که حاکمیت قانون در آنها به چشم نمی‌خورد.

نهادهای قضایی بین‌المللی که مسئولیت زیست‌محیطی دارند، باید بتوانند مفهوم وضعیت تکامل دکنترینهای بین‌المللی زیست‌محیطی همچون اصل اقدام احتیاطی<sup>۲</sup> را شفاف سازند. این نهادها باید بتوانند افزون بر ایجاد اصول جدید، مشروعیت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد مسلم زیست‌محیطی را نیز تبیین کنند.

### ساختار و [نحوه] تصمیم‌گیری نهادهای بین‌المللی قضایی موجود

هرچند هیچ محکمه بین‌المللی مختص به مسائل زیست‌محیطی وجود ندارد،

۱. دیوان عالی اداری یونان می‌تواند درباره قوانین اداری قوه مجریه تصمیم بگیرد و آنها را الغا کند، اما حق اصلاح و تغییر قوانین رسمی و عادی صادره از سوی این قوه را ندارد. در برخی موارد، پس از الغای یک قانون اداری از سوی دیوان عالی اداری، دولت با اصرار بر آن قوانین، به صدور قانونی رسمی اقدام می‌کند که دقیقاً مفاد آن همانند قانون اداری است و از سوی دیوان عالی اداری ابطال‌شدنی نیست.

2. precautionary principle.

نهادهای بین‌المللی قضایی وجود دارد که به حل و فصل اختلافات بین‌المللی زیست‌محیطی نیز می‌پردازند. با این حال، به رغم شمار زیاد محاکم قضایی، توانایی این محاکم به انجام دادن وظایف مذکور در بخش قبلی مشخص نیست. مطالب مختصری که می‌آید، بیان‌کننده مشخصات آیین‌نامه‌ای و رویه قضایی برخی نهادهای مهم جهانی و منطقه‌ای در عرصه محیط زیست است.<sup>۱</sup>

### ۱. دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۲</sup>

دیوان بین‌المللی دادگستری مهم‌ترین رکن قضایی بین‌المللی سازمان ملل متحد است و نسبت به همه مسائل حقوق بین‌الملل از جمله مسائل زیست‌محیطی اختیار تام دارد (ر.ک: بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری). اساسنامه دیوان، مقررات شکلی محافظه‌کارانه بسیاری دارد؛ از جمله اختیار دولتها مبنی بر اینکه موضوع تصمیم دیوان قرار بگیرند یا نه (ر.ک: بندهای ۲-۵ ماده ۳۶ اساسنامه). همچنین دولتها، براساس شرایطی، در پذیرش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری مختارند.<sup>۳</sup> وانگهی، تنها دولتها می‌توانند دعاوی خود را نزد دیوان اقامه کنند و سایر تابعان از چنین موقعیتی محروم‌اند.

۱. برای بررسی نهادهای حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل، دعاوی اقامه‌شده براساس معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی ذکر می‌شود. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: «عدم رعایت آیین پروتکل مونترال درباره مواد مضر برای لایه ازن». کمیته اجرایی پروتکل مونترال، از یک شیوه مسالمت‌آمیز که شامل نظارت بر رعایت این پروتکل از سوی دولتهاست، پیروی کرده است. این کمیته، دلایل بی‌توجهی دولتها و وضع ضمانت اجراها برای وادار کردن دولتها به رعایت پروتکل را پی‌گیری می‌کند. این کمیته تقریباً شبه قضایی است و غالباً عملکرد اداری دارد. تحلیلگران نیز آن را با هیتهای موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت «گات» (GATT) در سالهای نخست آن مقایسه می‌کنند.

2. World Court or ICJ.

۳. از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره مشروعیت قوانین و مقررات کانادا درباره انجام دادن اقداماتی در دریای آزاد علیه کشتیهای خارجی برای صید بیش از حد از ماهیان مهاجر بین دریای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی کانادا سؤال شد. دیوان به دلیل اینکه کانادا نسبت به صلاحیت دیوان، حق شرط اعمال کرده بود، اختلاف را نپذیرفت. کانادا در این اقدام، هرگونه اختلاف راجع به «اقداماتی که از سوی کانادا درباره حفظ و مدیریت نسبت به کشتیهای ماهیگیری در منطقه قانونی انجام می‌شود و اعمال این گونه اقدامات» را از صلاحیت دیوان استثنا کرده بود؛ بنابراین، دیوان در این اختلاف، نتیجه گرفت که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد.

به رغم وجود این گونه قید و بندهای اساسی، اقتدار دیوان بین‌المللی دادگستری در نظام قضایی بین‌المللی، منحصر به فرد است. دولتهای عضو سازمان ملل متحد متعهد شده‌اند تصمیمات این دیوان را بپذیرند (رک: بند ۱ ماده ۹۴ منشور ملل متحد) و شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند دیوان را در اجرای تصمیماتش یاری رساند.<sup>۱</sup> گام مهم دیگری از لحاظ آیین‌نامه‌ای، در سال ۱۹۹۳ م. برداشته شد و آن، زمانی بود که دیوان، یک شعبه خاص دائمی هفت نفره در مسائل زیست‌محیطی ایجاد کرد تا نقش مؤثرتری در اختلافات زیست‌محیطی بازی کند، اما از آنجا که اعضای این شعبه، به داشتن مهارت خاصی در مسائل زیست‌محیطی ملزم نبودند، درباره اینکه تأسیس این شعبه، آن گونه که مورد انتظار بود، بتواند در ایجاد رویه قضایی خلاقانه و هدف‌مند در مسائل محیط زیست، سهم به‌سزایی داشته باشد، تردید وجود داشت. این شعبه تا به حال، اختلافی را رسیدگی نکرده است (Qiong Wu, 2002). دیوان بین‌المللی دادگستری در تصمیماتش، مجدداً بر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست همچون اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو تأکید کرد. با این حال، این آرا از سوی جوامع دانشگاهی و جامعه مدنی، محافظه‌کارانه قلمداد شده است (Ibid.). دیوان تفسیرهای حقوقی تدریجی را که ممکن بود به پیشرفتهای مهمی در پیکره حقوق بین‌الملل محیط زیست و قواعد مربوط به موضوعات حساس زیست‌محیطی بینجامد، نپذیرفت.<sup>۲</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری همچنین به سبب توجه اندک به تصمیم‌گیری، مورد انتقاد قرار گرفته است. چندین دعوی جالب توجه نیز بنا به دلایل شکلی مورد پذیرش دیوان قرار نگرفت. در این دعاوی، نظر مخالف بر این بود که اکثر قضات، در روش حقوقی خود تجزیه‌گرا و عینیت‌گرا بوده‌اند؛ بنابراین، به عقیده آنها، دیوان مکلف است برای «مشارکت در اصول بنیادین مربوط به مجموعه قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست» شیوه انعطاف‌پذیرتری را در پیش گیرد.

۱. به موجب بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد «چنانچه یکی از طرفین اختلاف از اجرای تعهداتی تخلف کند که بر حسب رأی دیوان برعهده‌اش گذاشته شده است، طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور ممکن است عنداللزوم توصیه‌هایی کرده یا برای اجرای رأی دیوان، اقداماتی را اتخاذ کند».

۲. همچون قابلیت اعمال موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی در زمان جنگ.

## ۲. دادگاه بین‌المللی حقوق دریا<sup>۱</sup>

کنوانسیون ۱۹۸۲ م. حقوق دریا، «دادگاه بین‌المللی حقوق دریا» را تأسیس کرد. این دادگاه در سال ۱۹۹۶ م. در هامبورگ آغاز به کار کرد.<sup>۳</sup> این دادگاه یک نهاد قضایی مستقل است که ارتباط بسیار نزدیکی با سازمان ملل متحد دارد. براساس ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه، اعضای کنوانسیون حقوق دریا می‌توانند اختلافات مربوط به تفسیر و اجرای مقررات کنوانسیون مزبور را به دادگاه ارجاع دهند. همچنین این دادگاه می‌تواند به مسائل زیست‌محیطی خارج از قلمرو کنوانسیون پردازد؛ چرا که این دادگاه مجاز است دعاوی ناشی از سایر اسناد بین‌المللی مرتبط با آبهای بین‌المللی را داوری و رسیدگی کند.

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، از اندک نهادهای قضایی بین‌المللی است که بر دعاوی ناشی از مقررات معاهده مؤسّسش، صلاحیت اجباری دارد. هرچند این دادگاه تنها مکانیسم حلّ و فصل اختلافات برای رجوع دولتهای عضو کنوانسیون نیست،<sup>۴</sup> برای حلّ و فصل اختلافات خاصی که ناشی از مواد کنوانسیون باشد، صلاحیت اجباری دارد. همچنین برای حلّ و فصل دعاوی‌ای که به هیچ‌یک از مکانیسمهای حلّ و فصل اختلاف ارجاع نشده باشند نیز صلاحیت اجباری دارد (ماده ۲۹۲ کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا، پاراگراف ۵ ماده ۲۹۰، پاراگراف ۲ ماده ۲۸۸ و ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه بین‌المللی حقوق دریا).

به رغم تعدد مکانیسمهای حلّ و فصل اختلافات در کنوانسیون حقوق دریا، انتظار می‌رود دعاوی بسیاری به دادگاه بین‌المللی حقوق دریا ارجاع شود. روند دادرسی دادگاه نسبتاً سریع و انعطاف‌پذیر است. خبرگی و مهارت قضات این دادگاه، از مهم‌ترین امتیازات آن است.<sup>۵</sup> شعبه حلّ و فصل اختلافات بستر دریا نیز که یکی از

1. ITLOS.  
2. LOS Convention.  
۳. کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ به امضا رسید و در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ م. لازم‌الاجرا گردید (1833 U.N.T.S. 397).  
۴. ماده ۲۸۷ کنوانسیون ملل متحد راجع به حقوق دریا (دعاوی را می‌توان به دیوان بین‌المللی دادگستری یا سایر مراجع داوری ارجاع داد).  
۵. طبق ماده ۲ اساسنامه دادگاه، قضات باید در زمینه حقوق بین‌الملل دریاهای اهل نظر و فن باشند.

شعب دادگاه است، صلاحیت استماع دعاوی اقامه شده از سوی «شخصیتهایی را که دولت نباشند» دارد. این شخصیتها شامل اشخاص حقیقی طرف معاهده و متعهدینی می شود که در آینده با مقام بین المللی اعماق وارد معاهده می شوند. تصور می شود که این مقرر، اقامه دعوا از سوی دیگر نهادهای غیر دولتی را هم شامل شود، اما مفهوم و معنای دقیق و قطعی این مقرر به تفسیر دادگاه منوط است.

این آیین دادرسی، دادگاه را قادر می سازد تا به طور مؤثر پاسخگویی دعاوی زیست محیطی باشد. در یازده قضیه ای که دادگاه راجع به آنها تصمیم گیری کرده است، مسائل زیست محیطی را نیز مورد بحث قرار داده است و در زمینه حفظ محیط زیست، موضع حمایت گرایانه داشته است.

### ۳. ارکان حل و فصل اختلاف در چارچوب سازمان جهانی تجارت

یکی از مهم ترین وظایف سازمان جهانی تجارت، حل و فصل اختلافات است. این روند با مشاوره، شروع و با آیینهای سازش یا میانجیگری «گات» ادامه یافت. هر یک از اعضا می تواند از هیئت دریافت کننده لوایح تمام دولتهای ذی نفع که آنها را گزارش می کند، تقاضای رسیدگی به اختلاف را بکند. نهاد حل و فصل اختلاف، گزارش هیئت مزبور را می پذیرد، مگر اینکه مشترکاً با پذیرش آن مخالفت شود. هر یک از طرفین اختلاف می تواند نزد مرجع تجدید نظر، از تصمیم هیئت مزبور تقاضای تجدید نظر کند. مرجع تجدید نظر، نهادی دائمی و دارای هفت عضو است. طرفین اختلاف ملزم اند طی یک «زمان متعارف و معقول»، حکم هیئت مزبور را به اجرا گذارند. چنانچه حکم صادره مورد اجرا واقع نشود، طرف متضرر می تواند افزون بر تقاضای جبران خسارت، به عمل متقابل اقدام کند.

برای افزایش کارایی آیین حل و فصل اختلافات، گامهای مثبتی در دور اروگوئه برداشته شد. با این حال، این گامها، پاسخگویی نگرانیهای زیست محیطی موجود نبود؛ زیرا اولاً آیینهای حل و فصل اختلاف تنها به روی اعضای سازمان جهانی تجارت

1. WTO.  
2. DSB.

گشوده است، نه اشخاص یا سازمانهای زیست محیطی غیر دولتی؛ ثانیاً رسیدگیهای هیئت مزبور غیرعلنی است؛ ثالثاً هیئتهای حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت، همگی، کارشناسان تجارت اند که الزاماً تخصص کافی برای تصمیم گیری درباره مسائل زیست محیطی ندارند؛ و بالاخره، این هیئتهای حل و فصل اختلاف، ملزم نیستند رژیمهای حقوقی بین المللی همچون موافقت نامه های بین المللی زیست محیطی و حقوق بین الملل عرفی را مورد ملاحظه قرار دهند. موافقت نامه سازمان جهانی تجارت، نظامی «تودار و خودارجاع» ایجاد کرده است (Sands, 1999: 163-194). به رغم تلاشهای صورت گرفته برای ایجاد مطابقت بین موافقت نامه های زیست محیطی موجود و نظام تجارت هنوز یکپارچگی لازم بین آنها ایجاد نشده است.

### ۴. دیوان دادگستری اروپا<sup>۱</sup>

دیوان دادگستری اروپا نقش مهم و به سزایی در جامعه اروپا<sup>۲</sup> دارد. دادگاههای داخلی و حکومتها مایل اند به تصمیمهای این دیوان احترام بگذارند. هر چند این دیوان، یک دیوان تخصصی زیست محیطی نیست، این اختیار را نیز دارد که به دعاوی مربوط به نقض قوانین زیست محیطی جامعه اروپا از سوی دولتهای عضو این جامعه رسیدگی کند. دیوان دادگستری اروپا همچنین اختیار صدور احکام مقدماتی درباره تفسیر حقوق اولیه یا ثانویه اروپایی از جمله حقوق محیط زیست را دارد. ساختار دیوان دادگستری اروپا به گونه ای نیست که شعبه ای خاص برای مسائل زیست محیطی تلقی شود. با این حال، با توجه به پیچیدگی دعاوی زیست محیطی، دادستانها عملاً از نوعی تخصص برخوردارند (Kremlis, 2001). حق رجوع به این دیوان برای کمیسیون، ارکان اتحادیه اروپا، دولتهای عضو و اشخاص حقیقی و حقوقی که مستقیماً تابع قوانین اروپایی اند، وجود دارد. با توجه به این شرایط شکلی، سازمانهای غیر دولتی از حق رجوع به دیوان دادگستری اروپا مستثنا شده اند.

دیوان دادگستری اروپا در حفظ محیط زیست طبیعی در منطقه اروپا، سهم به سزایی

1. ECJ.  
2. EU.

داشته است. این دیوان با رسیدگی به بیش از ۱۵۰ دعوی زیست محیطی، آرای قضایی مهمی صادر کرده است. این دیوان، نخستین دیوانی است که بسیاری از اصول حقوق بین الملل محیط زیست، از قبیل اصل احتیاط (اقدام پیشگیرانه) را تأیید کرده است.<sup>۱</sup> به رغم اینکه دادگاههای داخلی در بدو امر، شبهاتی را نسبت به دیوان دادگستری اروپا مطرح کردند، دیوان نه تنها در شفاف ساختن قواعد زیست محیطی موفق بوده است، بلکه در هماهنگی اعمال حقوق محیط زیست جامعه اروپا و همچنین در توسعه حقوق محیط زیست داخلی نیز مؤثر بوده است. افزون بر این، دیوان دادگستری اروپا به عنوان یک دیوان چند موضوعه، توانسته است حفظ محیط زیست را در ارتباط با سایر منافع عمومی، از قبیل توسعه اقتصادی، مورد ارزیابی قرار داده، تعادل لازم را ایجاد کند.

### ۵. دیوان اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup>

دیوان اروپایی حقوق بشر که زیر چتر شورای اروپا در سال ۱۹۵۰ م. تأسیس شد، وظیفه نظارت بر چگونگی رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی (کنوانسیون رم) از سوی دولتهای عضو را برعهده دارد. این دیوان به منظور حمایت از حقوق بشر، تفسیرهای مترقیانه‌ای از اسناد حقوقی ارائه داده است و یکی از الگوهای قضایی بسیار موفق منطقه‌ای به شمار می‌رود. با این حال، در ایفای نقش زیست محیطی خود با محدودیتهایی روبه‌رو بوده است؛ چرا که این دیوان به بررسی موارد نقض حقوق بشر، آن گونه که در کنوانسیون رم و پروتکل الحاقی آن

۱. برخی از آرای که دیوان دادگستری اروپا چه به طور صریح و چه به طور ضمنی، اصل احتیاطی را در آنها اعمال کرده است، عبارت است از:

Case C- 405/92, Arm and Mondilt S.A. v. Armement Islais SARL, 1993, E.C.R. RI-6133 on the prohibition of drift-nets; Case C-180/96, U.K. v. Comm'n, 1996, E.C.R. I-3903, rejection of a request for provisional measures of lift the ban on beef after the Kreuzels Jacobs' disease; case T-199/96, Labs. Pharmaceutiques Bergaderm S.A. & J.J. Goupil v. Comm'n, 1998 E.C.R. II- 2805, prohibition of use of certain chemicals in sunscreen cosmetics.

2. ECHR.

مشخص شده، می‌پردازد. نه کنوانسیون و نه پروتکل الحاقی آن، درباره حقوق بشر نسبت به محیط زیست پاک سخنی بیان نداشته است.<sup>۱</sup> در گذشته، این دیوان در تفسیر و ابداع مواد قانونی موجود بسیار انعطاف پذیر بود. این دیوان با اعمال ماده ۸ (حمایت از زندگی خصوصی و خانوادگی)، خسارات زیادی را برای اشخاص متضرر از صدمات زیست محیطی یا آلودگی صوتی جبران کرده است.<sup>۲</sup> با وجود این، رأی دیگری درباره محیط زیست در دستور کار نیست. دیوان در قضیه «Kyrtatos» اخیراً بیان داشته است که به دلیل محدودیتهای موجود در کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن، به حمایت‌های جامع و فراگیر از محیط زیست قادر نیست.<sup>۳</sup>

### ۶. دیوان آفریقایی حقوق بشر

کمیسیون آفریقا، تنها نهاد منطقه‌ای بین المللی فعال برای «اشاعه» و «حمایت» از حقوق و «تفسیر» مفاد منشور آفریقایی حقوق بشر در قاره آفریقا است. در پاسخ به ناتوانی کمیسیون آفریقا برای متوقف ساختن نقضهای گسترده و سازمان یافته حقوق بشر در این قاره (Udombana, 2000)، سازمان وحدت آفریقا - اتحادیه آفریقای فعلی<sup>۴</sup> - در ماه ژوئن ۱۹۹۸ م. پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر را در خصوص

۱. پیش نویس پروتکل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که حقوقی را برای بشر نسبت به محیط زیست قائل شده است، تا حال تصویب نشده است.

۲. برای مثال، ر.ک: قضیه مشهور «Lopez Ostra» (۱۹۹۴).

۳. همان گونه که دیوان در قضیه «Kyrtatos v. Greece» در ۲۲ می ۲۰۰۳ م. در استراسبورگ بیان داشت، «درباره نخستین بخش دادخواست، دیوان اظهار داشت که براساس رویه ثابت خود، آلودگی شدید محیط زیست ممکن است بر سلامت افراد تأثیر بگذارد و آنها را از انتفاع از مسکن خود محروم سازد؛ به گونه‌ای که زندگی خصوصی و خانوادگی آنها را بدون اینکه به سلامت آنها صدمه شدید وارد سازد، تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، مهم ترین چیزی که باید در تعیین این امر که آیا با توجه به اوضاع یک دعوا، آلودگی محیط زیست به طرز غیر مطلوبی بر حقوق مورد حمایت مندرج در بند ۱ ماده ۸ تأثیر گذاشته است، مشخص شود، وجود تأثیر مضر بر زندگی خصوصی فرد و قلمرو خانوادگی است، نه صرفاً تخریب محیط زیست. نه ماده ۸ و نه هیچ یک از سایر مواد کنوانسیون به تنهایی و به طور مشخص برای حمایت کلی از محیط زیست طراحی نشده‌اند، در حالی که در این زمینه به خصوص، دیگر اسناد بین المللی و قوانین داخلی برای رسیدگی مرتبط تر به نظر می‌رسند».

4. AU.

تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم به تصویب رساند.<sup>۱</sup>

پروتکل مؤسس این دیوان، هنوز لازم‌الاجرا نشده است؛ زیرا فاقد اسناد تصویب لازم است.<sup>۲</sup> این دیوان، افزون بر کلیه اسناد حقوق بشر تصویب شده از سوی اعضا، بر همه قضایای مربوط به تفسیر و اجرای منشور آفریقا صلاحیت دارد. دولتها، سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای غیر دولتی و اشخاص، حق رجوع به دیوان دارند و می‌توانند علیه هر دولتی اقامه دعوا کنند. با این حال، حق رجوع به این دیوان برای سازمانهای غیر دولتی و اشخاص به موارد ضرورت، خطرناک، یا موارد مرتبط با نقض شدید حقوق بشر محدود شده است.

امکان ارزیابی کار این دیوان به دلیل فقدان رویه قضایی وجود ندارد، اما در آینده، ایجاد یک رویه قضایی برای این دیوان بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا این دیوان، منشور آفریقایی حقوق بشر را اعمال می‌کند؛ منشوری که به صراحت، حق بشر بر محیط زیستی رضایت‌بخش را به رسمیت شناخته است (Yemi, 2002).

## ۷. دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۳</sup>

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ۱۷ ژولای ۱۹۹۸ م. در رم به امضا رسید و در اول ژولای ۲۰۰۲ م. لازم‌الاجرا شد. براساس ماده ۵، دیوان صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جنایات بین‌المللی را دارد. این جنایات عبارت است از: ژنوساید، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز.

اساسنامه دیوان، حمایت خاصی از محیط زیست به عمل آورده است: طبق ماده ۸، آغاز عمدی «حمله‌ای با علم به اینکه چنین حمله‌ای تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست را در پی خواهد داشت و آشکارا نسبت به مجموع فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است»، جنایت جنگی معرفی

۱. این دیوان توسط پروتکل راجع به تأسیس یک دیوان حقوق بشری ایجاد شد. برای دریافت متن پروتکل، ر.ک: <http://achpr.org>.

۲. این پروتکل قبل از اینکه دیوان تأسیس شود، نیاز به ۱۵ سند تصویب دارد (بند ۴ ماده ۳۴).

3. ICC.

شده است. این مقرر به بسیار محدود است.<sup>۱</sup> افزون بر این، دیوان بین‌المللی کیفری تنها بر اشخاص صلاحیت دارد، نه دولتها و این، خود، میزان حمایت‌های دیوان از محیط زیست را محدود می‌کند. این دیوان تاکنون رأی صادر نکرده است.

## ۸. دادگاههای اختصاصی جنایات جنگی

دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)<sup>۲</sup> و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا، محاکم بین‌المللی اختصاصی‌اند که برای تعقیب مرتکبان نقض شدید حقوق بشر در دوستانه داخلی در درگیریهای خاص تأسیس شده‌اند. شورای امنیت ملل متحد، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، این دادگاهها را به عنوان اقدامات قهری ایجاد کرد. براساس منشور، تمامی دولتها ملزم‌اند در اجرای تصمیمات دادگاه مشارکت کنند. با این حال، هر دو دادگاه، احکام محدودی دارند که تخریب محیط زیست در درگیریهای مسلحانه را شامل نمی‌شود.

## ارزیابی نهادهای قضایی بین‌المللی موجود

تنها براساس معدود آرای زیست‌محیطی که از سوی محاکم بین‌المللی صادر شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که چگونگی رسیدگی محاکم موجود به مسائل زیست‌محیطی رضایت‌بخش نیست. از این گذشته، پیامدهای محافظه‌کارانه این دعاوی به این اشاره دارد که محاکم بین‌المللی موجود نتوانسته‌اند حتی نسبت به این تعداد اندک دعاوی زیست‌محیطی که نزد آنها اقامه شده است، دادرسی مناسبی انجام دهند.

دلایل کم بودن دعاوی زیست‌محیطی، موانع سنتی سیاسی و حقوقی، از قبیل

۱. این مقرر تنها در صورتی «خسارات شدید و درازمدت به محیط زیست» را جرم‌انگاری می‌کند که این خسارات «به طور آشکار نسبت به مجموع فایده نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه» باشد. «خسارات شدید و درازمدت» فی‌نفسه از سوی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری نشده و جنایت جنگی به شمار نرفته است، مگر اینکه نسبت به فایده نظامی، نامتناسب باشد و طرفی که حمله را آغاز کرده است، آن گونه بخواهد و انتظار هم برود.

۲. نام کامل این دادگاه، «دادگاه بین‌المللی تعقیب مرتکبان نقض شدید حقوق بشر در دوستانه بین‌المللی در سرزمین یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ م.» است.

حاکمیت دولت، دکتترین صلاحیت رضایی،<sup>۱</sup> و شرط توسل قبلی به مراجع داخلی است.<sup>۲</sup> افزون بر این نقایص مشترک، اختلافات زیست محیطی دست کم دو ویژگی متمایز دیگر دارند که اغلب مانع دادرسی آنها می‌گردد؛ اولاً هیچ نظام سازمان یافته‌ای برای حل و فصل این اختلافات وجود ندارد. ثانیاً نهادهای بین‌المللی از لحاظ دادرسی با مشکلاتی مواجه‌اند.

شیوه رسیدگی به دعاوی زیست محیطی در سطح بین‌المللی صراحتاً مشخص نشده است. هیچ دیوان بین‌المللی خاصی که برای حل و فصل اختلافات زیست محیطی صلاحیت داشته باشد، وجود ندارد تا طرفین ذی‌نفع بتوانند اختلاف زیست محیطی خود را آنجا اقامه کنند. چنانچه اختلاف به گونه‌ای به حقوق دریا، تحلفات تجاری، نقض حقوق بشر یا رفتارهای مجرمانه خاصی مرتبط نباشد، طرفین هیچ مرجعی برای ارجاع اختلافشان فراروی خود نمی‌بینند. وانگهی، نظام قضایی بین‌المللی به نظامهای قضایی ملی مرتبط نشده است. هیچ مکانیسمی برای مراجعه یا پژوهش خواهی از احکام صادره از سوی محاکم داخلی نزد دیوانهای بین‌المللی وجود ندارد. بعلاوه، بسیاری از معاهدات چندجانبه زیست محیطی، رجوع به محاکم

۱. برای اینکه یک دیوان بین‌المللی بتواند به یک دعوا رسیدگی کند، کلیه دولتهای طرف اختلاف باید قبلاً رضایت خود را به صلاحیت دیوان اعلام کرده باشند. رضایت آنها ممکن است به یک دعوی خاص، گروهی از دعاوی یا همه دعاوی باشد که آن دولت طرف آنهاست. این شرط که با عنوان «دکتترین صلاحیت رضایی» از آن یاد شده است، ریشه در دکتترین حاکمیت دولت دارد. اگر دولتی به قبول صلاحیت دیوان مایل نباشد، دیوان از لحاظ حقوقی، صلاحیت رسیدگی به آن دعوا را ندارد و دولت مزبور به رعایت تصمیم دیوان هیچ الزامی ندارد و از هر اقدام قهری یا اجرائی مصون خواهد بود. دکتترین صلاحیت رضایی، از نظر کمی، محدودیتهایی را بر شماری از دعاوی که توسط دادگاههای بین‌المللی رسیدگی شده است، وارد کرده است، به ویژه در مواردی که دولت آلوده کننده محیط زیست به صلاحیت دیوان رضایت نداده است.

۲. شرط رجوع مقلداتی به محاکم داخلی برای جبران خسارت پیش از توسل به مراجع قضایی بین‌المللی، نقشی دوگانه در دست‌یابی به مراجع قضایی بین‌المللی در دعاوی زیست محیطی بین‌المللی بازی می‌کند. با اینکه چنین شرطی در اکثر دادگاهها مثل دادگاههای حقوق بشری که خود برای دسترسی به محاکم دوستدار محیط زیست مانع ایجاد می‌کنند، وجود دارد، اما شرط مزبور در مراجعه به نهادهای قضایی که در چارچوب رژیمهایی فعالیت می‌کنند که بالقوه برای محیط زیست مضر هستند، همچون ایکسید (ICSID) یا محاکم اختصاصی ایجاد شده با معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه (BITs)، وجود ندارد.

بین‌المللی برای حل اختلاف را پیش‌بینی نکرده است؛ در نتیجه، طرفین اختلاف غالباً به استفاده از آیینهای بین‌المللی حل و فصل اختلافات تمایل ندارند.

برخی مقررات شکلی و رویه‌ای موجود در آیینهای دادرسی بین‌المللی، موانعی را بر سر راه پذیرش دعاوی و رسیدگی مؤثر به آنها ایجاد کرده و طرفین ذی‌نفع را از ارجاع اختلافات خود ناتوان یا بی‌میل ساخته است؛ چرا که اولاً اشخاص از اقامه دعوا نزد این دیوانها به کلی ممنوع شده‌اند، مگر در موارد خاصی که این امکان در چارچوب دیوانهای حقوق بشری وجود دارد.<sup>۱</sup> ثانیاً اغلب دعاوی زیست محیطی، پیچیده و گسترده است و روند کند تصمیمات این دادگاهها، مجال پرداختن به اختلافات زیست محیطی را که مستلزم عکس‌العمل آنی است، ندارد.<sup>۲</sup> بالاخره، فقدان ضمانت اجرا، اثربخش بودن دیوانها را متأثر ساخته است. هر چند طرفین اختلاف به رعایت تصمیمات دیوان ملزم‌اند؛ با این حال، در صورت عدم اجرا، تنها دیوان بین‌المللی دادگستری، نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت و دیوان دادگستری اروپا مکانیسمهای ضمانت اجرا دارند.

این ضعفها، بیانگر ناتوانی اغلب نهادهای قضایی موجود برای پوشش دادن مسائل بین‌المللی مهم زیست محیطی است. اغلب این دیوانها به منظور خدمت به یک معاهده خاص یا سازمانی بین‌المللی تأسیس شده‌اند و از لحاظ صلاحیت موضوعی بسیار محدود‌اند. این دیوانها ملزم‌اند به مسائل زیست محیطی که تنها با دیگر مسائل حقوق بین‌الملل ارتباط دارد یا در حالی که به دنبال اهداف مختلفی از قبیل ترویج تجارت آزاد یا حمایت از حقوق بشر است، رسیدگی کنند.

دقیقاً به سبب اینکه این نهادها برای رسیدگی به قضایای زیست محیطی طراحی نشده‌اند، عوامل آنها در این زمینه‌ها اهل فن نیستند. قضات غیر متخصص بین‌المللی، اغلب به اعمال هنجارهای پیچیده، مبهم و ناقص حقوق بین‌الملل محیط زیست قادر

۱. همان‌طور که بیان شد، «در سال ۱۹۹۵ م، دعوی اقامه شده از سوی اشخاص درباره آزمایشهای هسته‌ای فرانسه در پاسیفیک جنوبی، به دلیل فقدان صلاحیت کمیسیون اروپایی حقوق بشر، کمیته حقوق بشر و دیوان دادگستری جوامع اروپایی، مورد پذیرش قرار نگرفت».

۲. پیشنهادهای «سین دی مورفی» به طور قانع کننده‌ای توضیح می‌دهد که دیوانهای موجود نمی‌توانند مکانیسمهایی را برای واکنش سریع ایجاد کنند.



نیستند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پروژه «Gabcikovo-Nagymaros» اعتراف کرد که اعمال حقوق بین‌الملل محیط زیست چندان ساده نیست (Eisen, 1999). قضات دیوان در این قضیه باید قبل از داوری، در جنبه‌های زیست‌محیطی و علمی اختلاف، آموزش ببینند.

نهایتاً اینکه به نظر می‌رسد دادگاه‌های بین‌المللی در اغلب دعاوی، دیدگاهی «محدود» دارند؛ از این رو، بر حل و فصل اختلافات خاصی بین طرفین متمرکزند و به پیامدهای گسترده‌آرای خود در توسعه حقوق، کمتر توجه دارند. دانشمندان اظهار داشته‌اند که این رویکرد در بسیاری از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری وجود داشته است.<sup>۱</sup> این بینش «محدود»، بررسی گسترده‌تر مسائل زیست‌محیطی را که همراه با موضوعات مورد اختلاف خاصی است، محدود می‌کند.

### بخش دوم: جبران ضعف نظام قضایی موجود

جامعه بین‌المللی می‌تواند این ضعفها را با استفاده از یک یا دو روش زیر جبران کند:  
الف) اصلاح قوانین و آیینهای دادرسی نهادهای قضایی موجود؛  
ب) توسعه نهاد تخصصی حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی مؤثر در برقراری عدالت زیست‌محیطی و حفاظت مؤثر از محیط زیست.

### اصلاح نهادهای بین‌المللی موجود

دیوانهای بین‌المللی برای داشتن حوزه‌هایی برای قضاوت در اختلافات زیست‌محیطی، باید تغییراتی را بپذیرند. این تغییرات ممکن است به سه شکل متفاوت باشد:

۱. تغییر قوانین ماهوی دیوانها؛
۲. تغییر قواعد شکلی ناظر بر کار دیوانها؛
۳. تغییر احکام دو رکن مهم ملل متحد؛ یعنی: شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری.

۱. نهادهای جایگزین حل و فصل اختلاف که اکثر دعاوی زیست‌محیطی مطرح در سطح بین‌المللی را قضاوت کرده‌اند، چنین رویکردی دارند.

### تغییر قوانین ماهوی دیوانها

دیوانها مایل‌اند، همان‌طور که در معاهدات مؤسس خود و اسناد حقوقی موجود پیش‌بینی شده است، با محیط زیست از در دوستی درآیند. دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، دادگاهی است که شدیداً دوستدار محیط زیست است؛ زیرا این دادگاه، کنوانسیون حقوق دریا را اعمال می‌کند؛ کنوانسیونی که در حفظ محیط زیست دریایی سهم عمده‌ای دارد. علاوه بر این، اکثر معاهدات دیگری که این دادگاه درباره محیط زیست دریایی اعمال می‌کند، در آنها گرایش نسبتاً دوستانه و در حال رشدی به محیط زیست به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، صرف نظر از توجهات دیوان اروپایی حقوق بشر، این دیوان در صورت فقدان ماده‌ای که حق محیط زیست را در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته باشد، فقط موظف است حمایت‌های محدودی به عمل آورد؛ بنابراین، گام نخست باید تغییر و تعدیل در معاهداتی باشد که قوانین اعمال‌شدنی در دیوانها را محدود می‌سازد.

دومین تغییر عاقلانه و منطقی، به‌روز کردن آیینهای دادرسی و ترکیب دادرسان است. چنین اقدامی ممکن است بهبود کارآیی آیینهای موجود را در پی داشته باشد. این بهبود کارایی با قائل شدن جایگاهی برای اشخاص یا تغییر در شرایط اثبات حاصل می‌شود. نیاز دادگاهها به پرسنل قضایی کارشناس در مسائل زیست‌محیطی، کانون توجه بحثهای اخیر بوده است. به کارگیری کارشناسان مسائل مختلف دیگر در رسیدگیهای قضایی، پیشنهاد دیگری است که در این باره مطرح شده است.

### دیوان بین‌المللی دادگستری، مرجعی برای تجدید نظر

دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یک نهاد تجدید نظر در آرای زیست‌محیطی صادرشده از دیگر مراجع بین‌المللی، عملاً می‌تواند حمایت خویش را از محیط زیست افزایش دهد. دیوان در ایفای این نقش می‌تواند در هماهنگ‌سازی سیاستهای زیست‌محیطی موجود در رویه قضایی بین‌المللی مشارکت کند. همچنین می‌تواند به نگرانیهای موجود درباره نقض قوانین در نتیجه رویه‌های قضایی متناقض نهادهای مختلف پاسخ دهد. دیوان برای انجام این وظیفه، سه مکانیسم را می‌تواند به کار گیرد:

الف) منشور ملل متحد را به گونه‌ای تفسیر کند که این منشور از قبل اختیار تجدید نظر را به دیوان اعطا کرده است.

ب) منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان را برای کسب این اختیار (تجدید نظر) اصلاح کند.

ج) انعقاد موافقت‌نامه‌های جداگانه‌ای بین دیوان و سایر مراجع بین‌المللی به گونه‌ای که دیوان بین‌المللی دادگستری در سلسله مراتب آن، در رأس باشد.

### شورای امنیت ملل متحد، یک مکانیسم قهری

قوة مجریه حقوق بین‌الملل هنوز بدون سلسله مراتب و در سراسر نظام بین‌المللی، پراکنده است. تنها رکن دارای اختیار قهری، ارگان اجرایی سازمان ملل متحد، یعنی شورای امنیت می‌باشد. این شورا می‌تواند با اصلاح منشور ملل متحد، نظارت بیشتری بر مسائل زیست‌محیطی اعمال کند؛ برای مثال، این شورا می‌تواند نقش خود را به عنوان رکن اجرایی تصمیمات قضایی بین‌المللی و داخلی توسعه دهد؛ به عنوان یک نهاد قضایی، انجام وظیفه کند؛ کلیه دولت‌ها را به پذیرش صلاحیت نهادهای قضایی بین‌المللی ذی‌صلاح در مسائل زیست‌محیطی ملزم کند یا قوانین زیست‌محیطی متحدالشکل لازم‌الاجرای را برای همه دولت‌ها مشخص سازد.

با این حال، این پیشنهادها باید از سوی دو سوم اعضای ملل متحد، از جمله اعضای دائم شورای امنیت تصویب شود که به نظر می‌رسد چنین توافقی از نظر سیاسی امکان‌پذیر نباشد. اگر منشور ملل متحد اصلاح نشود، اختیارات شورای امنیت از طریق تفسیر موسع نقض صلح و امنیت، توسعه‌پذیر است. می‌توان پذیرفت که نقض صلح و امنیت با صدمه شدید به محیط زیست یا درگیری بر سر تخصیص منابع طبیعی تحقق می‌پذیرد.<sup>۱</sup> اشتغالات مختلف و متعدد کنونی شورای امنیت، قابلیت تسری به محیط زیست نیز دارد. در صورتی که یکی از طرفین، تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری را رعایت نکند، طرف دیگر می‌تواند از شورای امنیت تقاضا

۱. البته این شورا می‌تواند اقدامات قهری از سوی جامعه جهانی را به شکل ضمانت اجرای اقتصادی و دیپلماتیک یا حتی در صورت لزوم برای حفظ صلح و امنیتی که احتمال دارد گاهی به دلیل عدم رعایت آرای صادره در یک اختلاف زیست‌محیطی به خطر بیفتد، به شکل نیروی نظامی ساماندهی کند.

کند کلیه اقدامات لازم را برای اجرای آن اتخاذ نماید. در موارد اندکی هم شورای امنیت می‌تواند به عنوان یک رکن شبه قضایی عمل کند. چندان دور از ذهن هم نیست که شورای امنیت بتواند یک دیوان بین‌المللی، همچون دادگاه رواندا و یوگسلاوی، برای رسیدگی به مسائل محیط زیست ایجاد کند.

## ایجاد یک نهاد جدید

### دیوان بین‌المللی محیط زیست

برای ایجاد دیوانی که منحصرأ بتواند به اختلافات زیست‌محیطی رسیدگی کند، چندین پیشنهاد ارائه شده است. دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین پیشنهاد را دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست<sup>۱</sup> ارائه کرده است. این بنیاد قبلاً ایده تأسیس این دادگاه را در سطح جهانی ترویج داده است؛ ایده‌ای که هم از سوی جهان سیاست و هم از سوی جامعه دانشگاهی مورد حمایت قرار گرفت. از آنجا که به نظر می‌رسد پیشنهاد دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست در آینده، بیشترین اقبال اجرایی را داشته باشد، این مقاله صرفاً به بررسی این پیشنهاد پرداخته است.<sup>۲</sup>

دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست در سال ۱۹۸۹ م. به منظور تسریع توسعه دیوان بین‌المللی محیط زیست تأسیس شد. این بنیاد، هم‌اوردی بین‌المللی را آغاز کرد و مقدمات طرح پیشنهاد مذکور را در کنفرانس ملل متحد در ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ م. فراهم ساخت. دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست به عنوان بخشی از این مقدمات، نظر خود را به جوامع اروپایی ارائه کرد و قویاً از این اقدام حمایت شد. پارلمان اروپایی در سال ۱۹۹۱ م. قطع‌نامه‌ای را در خصوص دیوان پیشنهادی به منظور طرح مسئله در کنفرانس ریودوژانیرو به تصویب رساند، اما این قطع‌نامه به رغم حضور دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست در کنفرانس مذکور،

1. ICEF.

۲. سایر پیشنهادها برای ایجاد یک دیوان بین‌المللی محیط زیست چنین است: دیوان بین‌المللی الگو گرفته از کمیسیون غرامت ملل متحد، دیوان کیفری بین‌المللی برای محیط زیست دادگاه جهانی محیط زیست (WEC) الگو گرفته از سازمان جهانی محیط زیست (WEC)، و دیوان بین‌المللی داوری و سازش محیط زیست.

مورد بحث قرار نگرفت.<sup>۱</sup> دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست بر خلاف شکست در کنفرانس ریودوژانیرو، به زودی حمایت کمیسیون ملل متحد راجع به توسعه پایدار را جلب کرد. بسیاری از دولتها، وزارت‌خانه‌های دولتی، مقامات محلی، سازمانهای غیر دولتی، شرکتهای خصوصی و سازمانهای بین‌المللی نیز حمایت خود را ابراز کردند.<sup>۲</sup>

### ساختار سازمانی دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست

دیوان بین‌المللی محیط زیست که در صدد تبدیل شدن به رکنی دائمی با صلاحیت جهانی است، از پانزده قاضی مستقل تشکیل یافته است. این قضات از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> انتخاب می‌شوند و بودجه آن از طرف سازمان ملل متحد تأمین می‌شود. فعالان دولتی و غیر دولتی، از قبیل سازمانهای بین‌الدولی، سازمانهای غیر دولتی و اشخاص، می‌توانند به این دیوان مراجعه کنند.

صلاحیت این دیوان، هرگونه اختلاف زیست‌محیطی‌ای را شامل می‌شود که باعث ورود یا امکان ورود خسارت شدید به محیط زیست در سطح بین‌المللی یا ملی شود و ظرف هیجده ماه از راه داور حل و فصل نشود. این دیوان همچنین می‌تواند با صدور دستور موقت، اقدامات پیشگیرانه را اتخاذ کند و در موارد ضروری بنا به درخواست و یا به سبب جایگاه خود، به تحقیق و بازجویی اقدام کند. دیوان همچنین می‌تواند در زمینه داور و ارائه نظریه‌های مشورتی درباره مسائل جهانی زیست‌محیطی نیز فعالیت کند. بعلاوه، دیوان می‌تواند به درخواستهای دادگاههای

۱. دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست در کنفرانس ریودوژانیرو، مقاله ویژه‌ای درباره مسئله مزبور، با عنوان «دهکده جهانی بدون قانون» ارائه کرد.  
 ۲. همان طور که انتظار می‌رفت، سازمانهای غیر دولتی از قبیل سازمان بین‌المللی بیوپلوتیک، مرکز حقوق بین‌الملل محیط زیست، مرکز بین‌المللی دوستان کره زمین، مؤسسه ملل متحد در مورد سریلانکا و بسیاری از سازمانهای غیر دولتی محلی و گروه‌های ذی‌نفع در محیط زیست؛ مؤسسات دانشگاهی از قبیل دانشگاه جورج واشنگتن، دانشگاه کاتولیک آمریکا، دانشگاه کالونیک، دانشگاه اراسموس روتردام از این پیشنهاد حمایت کردند. این ابداع دیوان از سوی گروه‌های حرفه‌ای، از قبیل کانون بین‌المللی و کلا، کانون و کلاهی آمریکا، فدراسیون کانون و کلاهی ژاپن، حقوقدانان شخصی از دفاتر حقوقی، مشاوران حقوقی وزارت‌خانه‌های دولتی، دیپلماتها، رؤسای دادگاههای دادگستری داخلی و همچنین شرکتهای خصوصی از قبیل «ENEL» و «Alitalia» نیز حمایت شد.

3. UNGA.

داخلی در خصوص آرای مقدماتی، با الگو گرفتن از عملکرد موفق دیوان دادگستری اروپا پاسخ دهد. احکام مدنی این دیوان نیز شامل آرای موقت یا دائم خواهد بود. دیوان می‌تواند به صدور قرار برای جبران خسارت فرد متضرر، پرداخت هزینه‌های لازم برای جبران خسارات زیست‌محیطی یا پرداخت خسارت به صندوق جهانی محیط زیست اقدام کند. شورای امنیت ملل متحد مسئول اجرای احکام این دیوان است.

### ارتباط با دیگر دیوانهای بین‌المللی

ایجاد نظامی برای مرتبط کردن مراجع بین‌المللی به یکدیگر، مسلترم توزیع دعاوی بین دیوان بین‌المللی محیط زیست و سایر نهادهای قضایی بین‌المللی است. مقررات مربوط به ایجاد همکاریهای نزدیک‌تر محاکم، باید مؤثر و کارآمد باشد. محاکم بین‌المللی با ایجاد نظامی از دیوانهای بین‌المللی از راه موافقت‌نامه‌های همکاری - براساس رویه قضایی بسیاری از محاکم داخلی - می‌توانند دعاوی‌ای را که در بدو امر در صلاحیت آنها نیست، به یک دادگاه صالح دیگر موکول کنند. دیوانهای بین‌المللی می‌توانند شرایط مشترک مربوط به قواعد رایج تشخیص نهاد صالح را وضع کنند. بی‌گمان، چنین سیستمی می‌تواند همکاریهای بیشتری میان دادگاهها برقرار کند.

### موانع حقوقی و سیاسی

اساسنامه دیوان بین‌المللی محیط زیست اعلام می‌دارد که این دیوان از حق همگان بر محیط زیست پاک حمایت می‌کند، اما جامعه بین‌المللی هنوز این حق را به رسمیت نشناخته است و تنها شمار معدودی از معاهدات، حق مزبور را پذیرفته‌اند. مشکل موجود در سر راه رسیدن به توافق درباره این حق می‌تواند موفقیت دیوان را به خطر بیندازد. با این حال، پذیرش صلاحیت موضوعی در برخی مسائل خاص، برای دیوان به دلیل نامحدود بودن مسائل زیست‌محیطی و احتمال اینکه برخی موضوعات مهم خارج از صلاحیت آن قرار گیرد، گزینه رضایت‌بخشی نیست.

موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی<sup>۱</sup> باید دیوان را مرجعی برای حل و فصل

1. MEAs.

اختلافات خود به رسمیت بشناسد تا مشکلات فراروی ایجاد صلاحیت موضوعی این دیوان مرتفع گردد. ضرورتی ندارد که دیوان بین‌المللی محیط زیست، مکانیسم انحصاری حل و فصل اختلافات باشد، بلکه موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی باید متضمن شرط رضایت به صلاحیت باشند تا برای امضاکنندگان، فرصت رویکرد به این دیوان برای حل اختلافات فراهم شود. دیوان برای رهایی از ترسیم صلاحیت موضوعی باید اصول کنونی حقوق بین‌الملل محیط زیست، توافقات چندجانبه و دوجانبه، حقوق عام بین‌المللی و در صورت اقتضا قوانین ملی را اعمال کند.

بسیاری از مخالفان استدلال کرده‌اند که تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست نابخردانه است؛ زیرا مسائل زیست‌محیطی در ماهیت خود با موضوعات دیگری به هم تنیده است. [باید گفت] هر چند دلیل اینان به واقع نزدیک است، مشکلاتی که در توصیف یک دعوا به عنوان دعوی زیست‌محیطی وجود دارد، نباید به غیرعاقلانه بودن تأسیس این دیوان تعبیر شود. بسیاری از اختلافات ممکن است به طور خاص، ماهیت زیست‌محیطی نداشته باشد، اما بی‌گمان، بیانگر وجود نگرانیهای زیست‌محیطی، از قبیل آلودگی منابع آب شیرین یا مهار زباله‌های خطرناک است. علاوه بر این، دیوان عامل موازنه‌ای است نسبت به رویه قضایی که توسط نهادهای حل و فصل اختلاف ترویج می‌شود؛ نهادهایی که براساس رژیمهایی فعالیت می‌کنند که ارزشهای بالقوه در تضاد با حفظ محیط زیست را ترویج می‌کنند. مهم‌ترین چیزی که در مطالعات جامعه اقتصادی اروپا در خصوص «نظریه تأسیس یک دیوان بین‌المللی دادگستری برای محیط زیست» به چشم می‌خورد، وجود دیوان خاصی برای مسائل بین‌المللی زیست‌محیطی (یعنی مسائلی که به طور فزاینده‌ای به مسئله مرگ و زندگی تبدیل می‌شود) ضرورت دارد تا این مسائل، به عنوان یک وظیفه اضافی برای نهادهای قضایی از قبل موجود یاد شود؛ بنابراین، نظریه فوق درباره تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست، به شکلی که دیوان بین‌المللی بنیاد محیط زیست پیشنهاد کرده است، باید مورد حمایت واقع شود.

### نتیجه‌گیری

دادگاههای داخلی در رسیدگی به دعاوی زیست‌محیطی مطرح‌شده در سطح

بین‌المللی و بعضاً در سطح ملی، کارآیی چندانی ندارند. بسیاری از مسائل زیست‌محیطی، ماهیتاً فرامرزی‌اند و لازم است وجود نهادهای بین‌المللی از عهده آنها برآیند. در روند جهانی شدن جامعه معاصر، فعالیت‌های معاملاتی بیش از پیش بر محیط زیست طبیعی تأثیر منفی دارد. در چنین شرایطی، کنترل فرسایش محیط زیست، مسئولیت نهادهای قضایی بین‌المللی است.

فعالیت نهادهای قضایی بین‌المللی فعلی براساس نظامهایی است که اهداف و ارزشهای آنها الزاماً در جهت حفظ محیط زیست نیست. برخی از این نهادها، آن هنگام که حفظ محیط زیست به عنوان یک ارزش اجتماعی مهم در سطح بین‌المللی مطرح نباشد، از مسائل مربوط به محیط زیست به سادگی می‌گذرند. آیین دادرسی این محاکم، با نیازهای قربانیان محیط زیست منطبق نیست. ساختار دیوانهای بین‌المللی از لحاظ حقوق بین‌الملل نوبنیاد است و اغلب از صلاحیت اجباری و مکانیسمهای قهری محروم است.

وجود الزام رو به رشد تقاضای همگانی برای حل بحران محیط زیست، پاسخی به این ضعفهاست و «رویه قضایی اخیر، بیانگر تمایل روزافزون دولتها و سایر فعالان به استفاده از مکانیسمهای بین‌المللی برای حل اختلافات مربوط به منابع طبیعی و زیست‌محیطی است».

هرچند پیشنهادات زیادی برای اصلاح نهادهای موجود ارائه شده است، هیچ‌یک از آنها به تنهایی کافی نیست و لزوم وجود یک دیوان بین‌المللی ویژه محیط زیست احساس می‌شود. جامعه دانشگاهی و مؤسسان این دیوان باید با دقت نمونه‌های موفق مراجع بین‌المللی را مطالعه کنند، مشخصات نظامهای قضایی معروف داخلی را اقتباس کنند و در ایجاد قواعد تازه به گونه‌ای خلاقیت نشان دهند که برای نهادهای نوپا این امکان را فراهم کند که در حفظ محیط زیست طبیعی و سلامت بشر به طور هدفمند، سهیم باشند. رهبران سیاسی و فعالان عرصه بین‌الملل، از جمله جامعه مدنی، به سنجش و ارزیابی مجدد ساختار کنونی بین‌المللی ملزم‌اند و باید به ایجاد یک نظام قضایی بین‌المللی با هدف اعتلای حاکمیت قانون و بهبود محیط زیست جهانی رضایت بدهند.